



۲۰۱۶/۰۴/۲۴



دوکتور محمد اکبر یوسفی

## وضعیت امنیتی و برخی از عوامل بحران افغانستان!

امروز ۲۴ ماه اپریل است. در حلقات معین محافل آلمان، طبق معمول، در روز اول ماه "اپریل"، بعنوان "شوخی"، افسانه های کوتاه، به ظاهر "خبری"، اما جعلی نیز پخش می گردد. اما آنچه در ماه اپریل در افغانستان، بوقوع می پیوندد، "شوخی" نبوده است، بلکه خیلی غم انگیز و دلخراش است.

مجله "شپنگل آنلاین"، بتاریخ ۲۰۱۶/۰۴/۱۹، با نشر این تصویر،

چنین گزارش می دهد:

«افغانستان: بیش از ۳۰۰ زخمی بعد از یک انفجار در کابل»

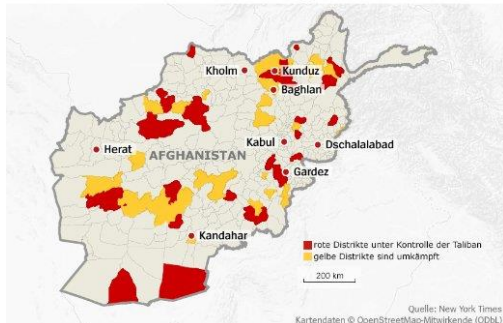
در پایان این تصویر می خوانیم: «کابل بعد از انفجار»

Afghanistan: Mehr als 300 Verletzte nach Explosion in Kabul



Kabul nach der Explosion

Der Vormarsch der Taliban in Afghanistan



Quelle: New York Times  
Kartendaten © OpenStreetMap-Mitwirkende (ODbL)



Persian TV's Harun Najalizada reports from Kabul. The location is a "strategic place"

متن مختصر خبر را، این مجله، چنین می نویسد: "ساعت ۰۷:۵۶ صبح یک انفجار شدید، پایتخت افغانستان، کابل را تکان داده است. طالبان بر مرکز خدمات مخفی حمله داشته، بیش از ۳۰۰ انسان، زخمی شده اند. **بیشتر** ...»

به ادامه خبر می نویسد:

"دود غلیظ سیاه، روز سه شنبه، بر فضای مرکز کابل معلق بوده است. در همه جا، "سوت ها" و "بوق ها"، شنیده می شده است. " درین خبر علاوه از ۳۰۰ زخمی، هم چنان، اقل از ۴۰ کشته نیز تذکر بعمل می آورد.

بهمین ترتیب خبر رسانی "بی بی سی" نیز، در همان روز ۱۹ اپریل ۲۰۱۶م، از کابل و آنهم از محل واقعه، در حالی که از تعداد بی شمار کشته نام می برد، در عین زمان از بیش از ۲۰۰ مجروح گزارش داده، روز بعد، درست بتاریخ ۲۰ اپریل، تعداد کشته شدگان را، ۶۴ نفر، نشر نموده است.

(در "پروگرام تلویزیونی فارسی، هارون نجفی زاده از کابل گزارش می دهد. محل را "محل ستراتیژیک" می خواند.)



گزارشگر "بی بی سی" محل واقعه را در جنب "پل محمود خان"، طوری که در تصویر می بینید، در نزدیکی وزارت "دفاع" خوانده است، "شیپگل" انفجار را چنان قوی خوانده است، که حتی شیشه های کلکین های سفارت امریکا، نیز صدمه دیده است.

مجله "شیپگل"، با نشر نقشه افغانستان، که در صفحه قبلی نشان داده شده است، در سطر فوقانی "نقشه" از "پیشروی طالبان در افغانستان"

نیز سخن بربان می آورد. لکه های سرخ روی نقشه را ساحات تحت "کنترول" طالبان و لکه های نارنجی رنگ را، مناطقی می داند، که جنگ بین قوای نظامی - امنیتی حکومت کابل و "طالبان"، بر سر کسب تسلط و کنترول هریکی از جوانب درگیر، جریان دارد.

در گزارش "شیپگل" هم چنان آمده است که: "وضعیت امنیتی در کابل و قسمت های وسیع کشور، در ماه های اخیر، به خرابی گرایده است. یک هفته قبل، افراطی های اسلامی طالبان، آغاز عملیات های اول سال آنها را اعلان نموده اند... اسلامپست ها، از زمان بازگشت قوای محاروبی متحدین بین المللی، بخاطر "جنگ علیه تروریسم"، که در اخیر سال ۲۰۱۴م، آغاز یافته است، چنان قوت کسب نموده اند، که از زمان سقوط آنها، در نتیجه اشغال کشور، تحت رهبری ایالات متحده در سال ۲۰۰۱م، دیگر به این پیمانده دیده نشده است. بر اساس اظهارات "ناتو"، در حالی که آنها (طالبان) شش فیصد افغانستان را تحت کنترول دارند، با وجود آنها، حکومت در کابل، بحد اعظمی، بر ۷۰ فیصد قلمرو کشور، «حاکمیت» خود را حفظ می دارد."

صرفنظر از اینکه درین متن، تنها از "طالبان" نام برده می شود، اما منابع دیگر از مخالفین مسلح متعدد دیگر، چون "داعش"، گروه افراطی "حقانی" و "حزب اسلامی" نیز یاد می کنند. نباید نا دیده گرفت، که "حاکمیت کنونی"، پس از قریب دو سال، بیک "پدر روحانی"، در وجود "وزیر خارجه" یگانه قدرت "بزرگ" فعلی جهان نیاز دارد، تا از یک طرف هر دو جانب را، برای قبول "پروتوکول" امضاء شده دو سال قبل، که قدرت دولتی را تقسیم نموده است، تحت کنترول و فشار "لازم"، قرار دهد، از جانب دیگر، برای حفظ رهبری همین گروپ های رقیب، درگیر منازعه و مشاجره بر سر تقسیم قدرت و کسب نفوذ بیشتر در افغانستان ویران، در مقابل "مخالفین دولت"، نگهبانی نماید.

بدون اینکه به نظرات "شایعاتی" و "حدسیات"، سر تسلیم نشان داده شود، بیاد می آوریم، که بحران پس از "سقوط خونین" اولین جمهوری "پنجساله"، با شدت بیشتر آغاز یافته است. در همان مرحله آغاز "بحران"، که حلقات کودتائی، در تحت نام "چپ"، با گروه های مسلح "بنیادگرای اسلامی"، مقابل شده اند، در آنوقت وقایع "بحرانی"، بعنوان مسایل "داخلی" یاد می شده است، متعاقباً با تشدید فعالیت های متخاصم جوانب درگیر بر سر قدرت،



Staatschef Taraki (r.), Freund\*: Pläne für den Eventualfall

در پایان تصویر: « رئیس دولت تره کی (سمت راست)، دوست \*: پلان ها برای حالات احتمالی)

درین "بحران"، که در تحت نفوذ و تأثیرات "خارجی"، قرار داشت، بتدریج در ماهیت آن، "علاقمندی های قدرت های" بین المللی را هم بخود جلب می نموده است. جانب "چپ کودتائی" که حاکمیت دولتی را در اختیار داشته است، از جانب مقابل، بعنوان "ضد اسلامی" یاد می شده است، و با شعار اینکه گویا، "خطر در برابر اسلام"، قرار گرفته است، بنابراین به تحریک وسیع برای "جنگ" پرداخته است. جانب "حکومتی"، مدت طولانی، با وجود

توسعه آتش "جنگ"، بر "مخالفین حکومت"، مهر "اشرار" و "باند های مسلح" می زده است.

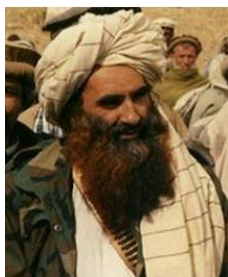
با انجام این سفر "هیأت رهبری دولت کودتائی"، که "امضاء" قرارداد "دوستی ..." را نیز با خود داشته است، طوری که در مقالات قبلی نیز تذکار یافته است، از همان آغاز اقدام به امضاء قرارداد، "اشتباهی" بوده است، که در حقیقت بر موقف عنعنوی و تاریخی کشور، در عرصه "سیاست خارجی"، یعنی "سیاست بی طرفی" کشور، در بین قدرت های بزرگ رقیب، لطمه مرگ آور، وارد ساخته است.

با ورود "قوای شوروی به خاک افغانستان"، "بحران داخلی" را، به میدان مقابله قدرت های بین المللی مبدل ساخت. "شوروی"



Schebarschin

با این "اقدام" بزرگترین اشتباه تاریخی آن قدرت بزرگ را مرتکب شده است، که با تأسف "رهبران" آن، خیلی دیر، به این "اشتباه" پی برده و علاوه از اینکه، به افشاء "قسمی"، توسط تعدادی از مأموران نظامی و امنیتی آن پرداخته است، در عین زمان، به "تصحیح" اشتباه خود، اقدام نموده است، طوری که بعنوان جرم، باید سقوط "حاکمیت" هفتاد ساله "سیستم طبقاتی"، سیستم "یک حزبی"، که با "دیکتاتوری پرولتاریا" آغاز گردیده بود، می پرداخت، هم چنان ضربات تکان دهنده، بر پیکر، موقف "قدرت بزرگ" آن وارد، می آمد. با این اشتباه، آن قدرت "بزرگ" و "نظام" آن، در "جریان جنگ سرد"، به سقوط مواجه گردید.



Jalaluddin Haqqani

بمسلسله گزارشات متعدد و اعترافات برخی از "مقامات رهبری شوروی"، بطور نمونه، به چند جمله از اظهارات، "لیونید شیبارشین"، رئیس سابق، "کی گی بی"، که در شماره ۲۱ سال ۱۹۹۲م، مجله "شپیگل"، تحت عنوان "شکست مفتضحانه بزرگ نما"، به ارتباط اشتباهات "شوروی" در افغانستان، انتشار یافته است، نظر می اندازیم:

در جمله نخست این مطلب می نویسد: " سقوط حکومت نجیب الله، نتیجه منطقی ۱۴ سال اخیر

تاریخ افغانستان، می باشد. ما باید هیچگاه اجازه مداخله نظامی را نمی داشتیم. هجوم قوای نظامی ما، یک اشتباه اساسی بوده است... در جمله اشتباهات اساسی، با صرف نظر از اینکه، چه کسانی تصمیم گرفته اند، در جایی می خوانیم:

" پلان هجوم نظامی در یک فضای نهایت سری، و حفظ راز، انجام یافته است، که حتی برای جامعه سر بسته ما، غیر عادی بوده است. مبتکرین آن، نمی خواسته اند، خطرات و "ریسک های" ناشی از آنرا، تحت مطالعه قرار دهند و متخصصین را، درین تصمیم دخیل سازند. فکر نکرده اند که با سابقه کشور و خصوصیات باشندگان آن، توجه کنند... ". "لیونید شیبارشین"، هم

چنان تذکر می دهد، که رهبری وقت، "مقاومت وسیع مردم" را، تحت کلمات "باند های مسلح"، به مردم خود و جهانیان، تبلیغ می نموده اند.

همین مقام سیاسی - امنیتی، قدرت بزرگ وقت، بعبارت دیگر می گوید:

" اصطلاحات چون "جنبش باند ها"، "رهبران باند ها"، که نذایر کلماتی ارگان امنیت دولتی ما را تشکیل می داده است، در زمان بعد از جنگ شنیده بودیم، این کلمات در افغانستان دوباره زنده شد. همواره، چنین تبلیغات و برجسپ ها، حقایق و واقعیت ها را می پوشانید. حقیقت این است که ما در افغانستان با باند های کتلوی روبرو نبوده ایم، بلکه با یک مقاومت مردم مقابل بوده ایم. و هم اینکه جامعه افغانستان، الهام آنها را از مفکوره های انقلاب و سوسیالیزم، نمی گرفته است، بلکه از اسلام و از عنعنات و رسوم دیرینه کشور، می گرفته است. این امر برای تعداد کمی قابل فهم بوده است. برای این چنین طرز دید، هیچ جای خالی در سیاست شوروی، وجود نداشته است. درین وضعیت می توانست یک اعتراف صورت پذیرد، که اقدام بزرگ نمای افغانستان، یک شکست مقتضحانه بوده است..."

("شپیگل" شماره ۲۱ سال ۱۹۹۲م، صفحه ۱۹۴)

اینرا هم می دانیم، که پس از سقوط "رژیم چپ"، که در حقیقت، در نتیجه "مقاومت وسیع مردم" و حمایت، بین المللی، تحت نفوذ قدرت بزرگ رقیب "شوروی"، و هم چنان به همکاری "قدرت های منطوقی" صورت گرفت، بجای آن قدرت حاکم دولتی، که مطابق انتظار عامه، باید شایسته همان "مقاومت" می بود، نتوانست، تشکیل گردد.

چهره های معلوم الحال مدعی "قدرت"، کشور و مردم افغانستان را از حاصل، "مقاومت خونین آنها" محروم ساخته اند. تعداد کثیری از آنها، که اگر شامل دستگاه حکومتی اند و یا در خارج از دستگاه حکومت، بشکلی از اشکال، چه در فساد اداری و چه در سازماندهی اعمال «تروریستی» و «تخریبی» مشغول اند. چنانچه اکثریت اعمال "تروریستی، در شهر کابل را، به آدرس "جلال الدین حقانی" و پسران او، که از "شبهه خاص"، با نام او یاد می شود، گزارش می دهند. بهمین ترتیب، در جمله تعدادی از بازیگران آن روز های جنگ "جدید"، یا "جنگ داخلی"، مطبوعات خارجی، بعد از سقوط "رژیم چپ"، این دو شخص را معرفی نموده اند، که در کشور به "جنگ داخلی"، نقش عمده داشته اند.



Widerstandskämpfer Hekmatjar  
Plündern und vergewaltigen für Allah

Widerstandskämpfer Massud  
In zwei Monaten oder zwei Jahren

از جمله، مجله "شپیگل"، در شماره ۳ سال ۱۹۸۹م، آنها را در صف "مبارزین مقاومت"، یاد نموده است. در پایان تصویر "حکمتیار" می خوانیم: "جنگی مقاومت، حکمتیار، چپاول و غارت و هتک ناموس برای الله" و در پایان تصویر "احمد شاه مسعود": «جنگی مقاومت مسعود، در دو ماه یا دو سال». در عنوان همین گزارش "شپیگل"، شماره ۳، ۱۹۸۹م، می خوانیم: "چنین وحشتناک در کابل هیچ وقت نبوده است."

قریب دو سال بعد، طوری که در پایان تصویر "مسعود" تخمین گردیده بود، درست بتاریخ ۲۷ اپریل ۱۹۹۲م، "شپیگل"، در شماره ۱۸ آن نشریه، اوضاع کابل را چنین تعریف نموده است: "افغانستان یک آتشفشان است."، مجله بار دیگر از جمله رهبران گروههای جنگی، که در سالهای قبل، محاصره کابل را اعلان نموده بودند، حال در یک وضعیت دیگر، از آنها، یاد میشود.



در پایان تصویر "مسعود" مینویسد که: "رهبر مجاهدین مسعود برای یک اسلام ارشاد" و در پایان تصویر "حکمتیار"، میخوانیم: "رهبر مجاهدین، حکمتیار، جنگی عقیدوی متعصب" در جملات مختصر، "هیأت تحریر" مجله، وضعیت چنین خلاصه شده است:

«جنگ نهائی بر سر کابل: گروپ های داوطلب جنگی بر تشکیل حکومت مؤقت توافق خواهند نمود، و یا بعد از سقوط رئیس

جمهور نجیب الله، به یک جنگ وحشتناک، دشمنی برادری خواهد انجامید؟ منازعه جنگی های عقیدوی اسلامی، بر سر

کسب برتری قدرت در افغانستان، می تواند تمام منطقه را غرق بحران سازد.»



Mudschahidin-Führer Massud  
Für einen aufgeklärten Islam

Mudschahidin-Führer Hekmatjar  
Der fanatischste der Glaubenskämpfer

در جمله اول گزارش می خوانیم: "از ۹ روز به اینطرف دیگر اراکت اصابت ننموده است. در سال دهم جنگ بر اساس جنتری ایرانی، در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی، محاصره کنندگان تصمیم گرفته اند، تا پایتخت کابل را به گرسنگی بکشانند."

با انحلال "اردوی ملی"، رهبران "تنظیمی و نمایندگان تمام حلقات

"جهادی"، در سطوح مختلف، کشور را به «جنگ داخلی» بردند، و جنگ "قبلی" آنها را، به "جنگ نیابتی" قدرت های منطقه، نظیر پاکستان، ایران، سعودی و سایر کشور های همسرحد، مبدل ساخته اند. درین ۲۴ سال سپری شده، در تحت نام نیرو های "جهادی"، قدرت را طوری در اختیار دارند، که "حلقات" مرموز آنها، بر اریکه قدرت نشسته اند و هم چنان، در محافل خارج از "حاکمیت" دست نشانده قدرت های بیرونی، با استفاده از پیوند های مخفی، کشور را، به خاک و خون غرق نموده اند.

انکشافات بعدی، در جریان جنگ داخلی قریب ده ساله نشان داد، که، بطور مشخص، نقش "مسعود" در تشکیل، "اتحاد شمال" و نقش "حکمتیار" در جهت مخالف، منجمله، در همکاری و تقویت "جنگ نیابتی" پاکستان در افغانستان، برحسبگی نشان داد است.

حال سه روز بعد، ۳۸ سال از سقوط اولین "رژیم جمهوری" و ۴۳ سال از سقوط رژیم سلطنتی چهل ساله سپری خواهد شد. در دوران "چهل سال سلطنت"، "پنج سال جمهوریت" و کمتر از ۱۴ سال، "حکومت یک حزبی کودتائی"، باهمه تفاوت ها، یک "اردوی منظم" موجود بوده است، که امید اتباع کشور، در امر دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، بکلی نابود نگردیده بود.

از زمان سقوط رژیم "چپ"، اینک ۲۴ سال می گذرد. درین مدت، پس از اینکه "اردوی ملی" کشور، منحل می گردد، و رهبران "جهادی تنظیمی"، راه "جنگ داخلی" را در پیش گرفته اند، در واقعیت این کشور را برای قریب ده سال، محروم از "دولت مرکزی" و حاکمیت "ملی"، آن ساخته اند.

"بحران" قریب ۴۳ سال مراحل مختلفی را پیموده است، که متأسفانه هیچ یکی از "حلقات" متخاصم و رقیب، مدعی کسب قدرت در افغانستان، نه خود درس بیدار کننده و سالم سیاسی آموخته اند، و نه هم زمینه مساعد فراهم شده است، تا برای نتیجگیری، ازین دوره های بحرانی، ارزیابی های علمی صورت گیرد. جای شک نیست، که اینجا و آنجا، "چکیده های" محدود حقایق، آنهم خیلی دیر، در منابع خارجی، منتشر شده است، که توجه عمیق را ایجاب می نماید، تا برای قبول درجه معین حقیقت، ارزیابی لازم، از هر یک از وقایع صورت گیرد. تحلیل عمیق و وسیع "نیوترال"، تأریخی در تعیین راه آینده کمک خواهد کرد، نه شکایات، توصیف ها و جانبداری های، بیهوده.

حال یک ونیم دهه است که، از حاکمیت محافل "جهادی" در افغانستان، می گذرد. برخلاف وضعیت سال ۱۹۷۹م، که ورود "قوای شوروی"، به تعقیب "امضاء قرارداد، بین دولتین صورت گرفته است، حکومت فعلی که خود بعد از حضور "قوای

خارجی" تشکیل یافته است، اینک بعد از "۱۳" سال، دولت فعلی افغانستان، همچو قرارداد مشابه را، با قدرت بزرگ رقیب قدرت قبلی، به امضاء می رساند.

در تصویری که "شپینگل"، بتاريخ ۳۰ سپتمبر ۲۰۱۴م، بدست نشر سپرده است، تعدادی از رهبران تنظیم های "جهادی" و "جنگ سالاران" نیز دیده می شوند. در سطر فوقانی این تصویر می خوانیم:

«توافق امنیتی: قوای بین المللی، اجازه دارند، در افغانستان، بمانند.»

(در پایان تصویر: «یک سال طولانی حکومت افغانستان، در برابر امضاء توافق امنیتی، با ایالات متحده، سرکشی می کرد. - غنی، رئیس جمهور جدید آنرا به امضاء رسانید. بر طبق آن، ۱۰۰۰۰ عسکر امریکائی می توانند در هندوکش مستقر بمانند.»

#### Sicherheitsabkommen: Internationale Truppen dürfen in Afghanistan bleiben



Sicherheitsberater Atmar mit US-Botschafter Cunningham: Vertrag unterzeichnet

Ein Jahr lang sträubte sich Afghanistans Regierung gegen ein Sicherheitsabkommen mit den USA - das hat der neue Präsident Ghani nun unterzeichnet. Damit können nach Jahresende 10.000 US-Soldaten am Hindukusch stationiert bleiben.

قریب ۲۲ سال قبل، در روز های قبل از سقوط "رژیم چپ"، همین قدرت بزرگ، با "قدرت بزرگ" رقیب آن، بیک توافق "صفری" رسیده بودند. بعد ازین دو دهه، حال با دولت دست نشاندۀ خود آنها، "توافقی" را به امضاء رسانیده است، که در حقیقت، با عقد قرارداد دوستی بین "اتحاد شوروی" و "افغانستان" مشابهت، نشان می دهد. با کمی تفاوت از آنچه آن قرارداد سال ۱۹۷۹م، بحران داخلی وقت را تعمیق و توسعه

بخشید، که راه اشتباه بزرگ تاریخی آن قدرت بزرگ را، هموار ساخت، اما این قرارداد، که در تحت شرایط حضور قوای خارجی، به امضاء رسیده است، چنین بنظر میرسد، که عمر "بحران موجود" را طولانی تر خواهد ساخت. طوریکه میدانیم، حلقات و گروه های مسلح ضد دولت فعلی، از همان آغاز، ادامه جنگ را، موجودیت قوای نظامی خارجی در کشور، بهانه گرفته اند.

گزارشات بی شمار انتشار یافته در مطبوعات خارجی نشان می دهد، که "اقدام" ایالات متحده امریکا، در تحت شعار "جنگ با تروریسم"، مثبت ارزیابی نگردیده، بعضاً آنرا "ناکام" می شمارند، تفصیل درینجا نمی گنجد.

صاحبنظران غربی، خوبی می دانند، که "پاکستان"، با سوابق روابط نزدیک و وسیع با ایالات متحده و انگلستان، در "جنگ نیابتی" در افغانستان، در سال های "جنگ داخلی"، با استفاده از ظرفیت های "اسلامیست های متعصب سنی"، الی فرستادن افراد نظامی آنکشور، با لباس "شورش های"، دخیل بوده است. کشور های با قدرت در غرب، که پاکستان را صاحب سلاح اتمی می دانند، از همه این تلاش های پاکستان چشم پوشی نموده، بیم از آن دارند، که "پاکستان بی ثبات" نشود و سلاح اتمی، در دست افراطیون و متعصبین مذهبی، نیفتد.

حقایق نشان می دهد، که ازین وضعیت، دولت پاکستان، در جهت کسب امتیاز در افغانستان و منطقه، استفاده سوء می نماید. شایع است که پاکستان، در صف حامیان افراطیون "سنی" و متعصبین این فرقه ها، در قدم اول در حمایت از گروه های «طالبان افغان» شناخته شده است. این کشور، هم چنان از حلقات وسیع "سنی"، بشمول گروه های دیگر افراطی، مانند "جلال الدین حقانی" و جناح های "حزب اسلامی" تحت رهبری گلبدین حکمتیار و غیره در تقویت نفوذ خویش در منطقه کار می گیرد. بهمین منوال در جناح دیگر، رژیم ملا های ایران، از عقاید و احساسات "شیعیان"، استفاده سوء می نماید.

### Angriff auf Klinik in Kunduz: Obama entschuldigt sich bei Ärzten ohne Grenzen



US-Präsident Obama: "Vollständige und transparente" Untersuchung gefordert

Bei einem US-Luftangriff auf ein Krankenhaus von Ärzten ohne Grenzen im afghanischen Kunduz sind 22 Menschen gestorben. Jetzt hat sich Präsident Barack Obama persönlich bei der Chefin der Hilfsorganisation entschuldigt.

بخاطر امضاء توافق متذکره، در تحت کنترول و نفوذ "شخص وزیر خارجه ایالات متحده امریکا" تقسیم قدرت، بین دو کاندید انتخابات اخیر ریاست جمهوری، تسریع بخشیده شد. ازین طریق، ادامه کمک های نظامی و امنیتی امریکا و ناتو را، برای حکومت افغانستان فراهم گردید. نمونه همچو حمایت را می توان، در جریان سقوط ناگهانی قندز، مشاهده نمود.

در سطر فوقانی این تصویر منتشره در "شپیگل می خوانیم: «حمله بر "کلینیک" در قندز: "اوباما" از داکتران بدون مرز معذرت خواست.»

(در پایان تصویر: «در یک حمله هوایی بر شفاخانه داکتران بدون مرز در قندز افغانستان، 22 انسان کشته شده اند. حال رئیس جمهور "بارک اوباما"، در برابر خانم امر این سازمان کمکی معذرت خواسته است.»

پایان

